

مشقواره آن لاین

نگاهی به تفاوت نگاه داوران و منتقدان
از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱

برف روی کاج ها در صدر
انتخاب های مردمی تا پایان روز چهارم

مردم از فیلم ها گفتند ...

معرفی فیلم **ملکه**

نگاهی به فیلم **گشت ارشاد**

گزیده حرف های
نشست های نقد و بررسی روزهای سوم و چهارم

جدول ارزشگذاری نویسندگان
بر فیلم های روز سوم و چهارم





- ۲- عمر قاتل من است با ۲۸ صدم
- ۳- عقاب با ۲۴ صدم
- ۴- رود لندن با ۲۲ صدم
- ۵- بیداری با ۲۰ صدم امتیاز

بخش مسابقه سینمای ایران:

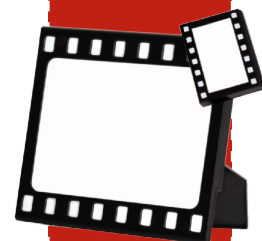
- ۱- برف روی کاج‌ها با ۲ و ۸۲ صدم امتیاز
- ۲- بوسیدن روی ماه با ۱ و ۹ دهم امتیاز
- ۳- پل چوبی با ۱ و ۸۸ صدم امتیاز
- ۴- بی خود و بی جهت با ۱ و نیم امتیاز
- ۵- پذیرایی ساده با ۱ و ۴۴ صدم امتیاز
- ۶- خوابم می‌آد با ۱ و ۳۲ صدم امتیاز
- ۷- گشت ارشاد با ۱ و ۱۳ صدم امتیاز
- ۸- پله آخر با ۱ و ۹ صدم امتیاز
- ۹- یکی می‌خواد باهات حرف بزنه با ۱ و پنج صدم امتیاز
- ۱۰- من و زیبا با ۱ امتیاز

رده بندی آرای مردمی تا پایان روز چهارم برف روی کاج‌ها در صدر

آمار روز چهارم انتخاب‌های مردمی جشنواره فجر در سینماها اعلام شد و بر این اساس، دو فیلم **برف روی کاج‌ها** و **بوسیدن روی ماه** در بخش داخلی و **روزهای زندگی** در بخش بین‌المللی صدرنشین جدول تا روز چهارم لقب گرفتند.

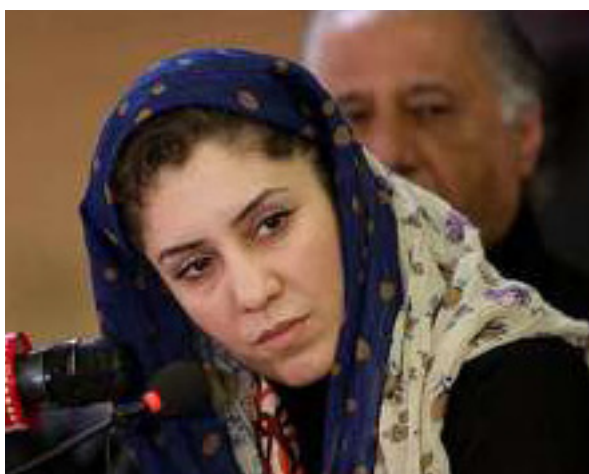
رده بندی انتخاب بهترین فیلم از نگاه تماشاگران تا پایان روز چهارم نمایش فیلم (جمعه ۱۶ بهمن ماه) به شرح زیر است:

بخش مسابقه بین‌الملل:
۱- روزهای زندگی با ۴۴ صدم



شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین‌المللی
فیلم فجر



مانلی شجاعی فرد؛ نقدپذیرترین فیلمساز جشنواره تا پایان روز چهارم

نقدپذیرترین فیلمساز جشنواره تا پایان روز چهارم انتخاب شد مانلی شجاعی فرد سازنده فیلم سینمایی «میگرن» تا پایان روز چهارم برگزاری سی امین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر برترین فیلمساز نقدپذیر جشنواره لقب گرفت. بر اساس اعلام ستاد اجرایی جشنواره، از بین کارگردانان ۱۳ نشست برگزار شده از روز ابتدای نمایش فیلم در برج میلاد تا پایان روز یکشنبه ۱۶ بهمن، «مانلی شجاعی فرد» از سوی رأی دهندگان حاضر در نشست‌های سالن سعدی برج میلاد، با بیشترین رأی به عنوان

نقدپذیرترین کارگردان انتخاب شده است. بنا بر این گزارش، در پایان هر یک از نشست‌های امسال سالن سعدی برج میلاد، شرکت‌کنندگان در نشست‌ها نظر خود را داخل صندوق انتخاب برترین فیلمساز نقدپذیر جشنواره سی ام فیلم فجر می‌اندازند.





ملکه (محمدعلی باشه آهنگر)

■ معرفی کارگردان:

محمدعلی باشه آهنگر متولد ۱۳۴۱ دزفول، فارغ التحصیل کارگردانی سینما از دانشکده سینما تئاتر است. وی فعالیت هنری اش را با نویسندگی، کارگردانی و بازیگری در تئاتر آغاز کرد و چندین فیلم کوتاه ۱۶ م.م و تعدادی فیلم مستند ساخت. آهنگر نخستین بار در سال ۱۳۷۷ به عنوان دستیار کارگردان با حمیدرضا آشتیانی پور در فیلم **شعله های خشم** همکاری کرد و سپس با نگارش فیلمنامه مشترکی با محمدرضا گوهری به نام **پرواز بر فراز بام ها** گامی دیگر برای پیشرفت در زمینه سینما نهاد. او در دو فیلم حسین برزیده یعنی **دکل (۱۳۷۴)** و **پرواز خاموش (۱۳۷۷)** به ایفای نقش پرداخته است و از همان آغاز دغدغه سینمای دفاع مقدس را داشت. نیمه گمشده (۱۳۷۸) و نبات داغ (۱۳۸۱) اولین فیلم های سینمایی باشه آهنگر در مقام کارگردانی بودند که موفقیت های زیادی را برای او کسب نکردند اما سومین فیلم او یعنی **فرزند خاک (۱۳۸۶)** توانست علاوه بر جلب نظر مثبت منتقدین، در جشنواره فیلم فجر هم موفق ظاهر شده و در بخش سینمای معناگرا سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه را بگیرد، همچنین مهتاب نصیرپور برای **فرزند خاک** برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد. **فرزند خاک** در جشن خانه سینما هم برنده چند جایزه شد. چهارمین ساخته او **بیداری رویاها (۱۳۸۸)** نام داشت که در جشنواره بیست و هشتم موفقیت های **فرزند خاک** را کسب نکرد و از نظر کارگردانی هم دارای ضعف های عدیده ای بود. پنجمین ساخته او به نام **ملکه** باز هم در فضای سینمای دفاع مقدس است.

■ معرفی فیلم

ملکه پنجمین ساخته محمدعلی باشه آهنگر باز هم در ژانر دفاع مقدس ساخته شده است و باشه آهنگر در این فیلم همانند آثار قبلیش محمدرضا گوهری را به عنوان فیلمنامه نویس در کنار خود داشته است. اولین نکته ای که از فیلم **ملکه** قابل ذکر است پخش شدن عکس هایی بسیار جذاب از این فیلم است که نشان می دهد فیلم فصل های جذاب بسیاری را در خود خواهد داشت. فیلم برداری این فیلم در اردیبهشت ماه سال جاری توسط علیرضا زرین دست با ضبط صحنه نهایی در پلایشگاه آبادان به پایان رسید. در آغاز، این فیلم دیدگاه نام داشت و سرانجام به «ملکه» تغییر یافت. صدا گذاری فیلم توسط امیر حسین قاسمی و ساخت موسیقی آن نیز توسط حسین علیزاده صورت گرفته و تدوین فیلم نیز توسط کارگردان آن انجام شده است. جلوه های ویژه رایانه ای در این فیلم از اهمیت خاصی برخوردار است که ساخت آن نیز توسط حسن ایزدی به تازگی به پایان رسیده است. داستان این فیلم در زمان جنگ تحمیلی و در پلایشگاه نفت آبادان رخ می دهد. دیده بانی نمی تواند عراقی را ببیند. اما بر حسب تصادف سیم تلفنی پیدا می کند و درون بویلر پلایشگاه آبادان می رود و برایش اتفاقاتی می افتد. ...

میلاد کی مرام، مصطفی زمانی، حمیدرضا آذرنگ، هومن برق نورد، مالک حدپور سراج، مهدی سلطانی، حسین باشه آهنگر و همایون ارشادی در فیلم **ملکه** به ایفای نقش پرداخته اند. **ملکه** از جمله فیلم هایی است که قویا در لیست مسابقه جشنواره فیلم فجر قرار گرفت و از همان ابتدای تولید هم فیلم خوبی به نظر می آمد. با توجه به اینکه گفته می شود **ملکه** فیلم بسیار با کیفیتی است، ممکن است فیلمبرداری چون علیرضا زرین دست که اتفاقا قرار است بزرگداشت او در افتتاحیه برگزار شود یکی از سیمرغ به دستان باشد. باید منتظر دیدن دومین بازی پررنگ میلاد کی مرام و حضور مصطفی زمانی باشیم.





نگاهی به فیلم «گشت ارشاد»

فرصت از دست رفته

■ فرهاد خالدار

سکانس نمایشگاه ماشین دیده می شود که به یکباره درگیری خونینی روی می دهد که تنها خاصیتش شوکه کردن تماشاگری است که اصلاً انتظار چنین صحنه هایی را ندارد. سکانس های بعدی (همچون سخنرانی حاجی) نیز اگرچه در لحظاتی خنده را بر لبان تماشاگر می نشاند اما بسیار گنگ و آشفته می نماید.

فرخ نژاد و کیمیایی پس از همکاری نخست در صحنه جرم، ورود ممنوع در اینجا نیز زوج مناسبی را تشکیل داده اند. زوجی که این بار ساعد سهیلی را در کنار خود می بینند که کمتر کسی انتظار حضوری چنین تاثیرگذار را از وی داشت. نقش آفرینی جمشید هاشم پور و نیوشا ضیغمی نکته تازه ای در برنارد و از کلیشه هایی که پیش از این نیز در بازی این دو نمود داشته است فراتر نمی رود.

با این همه گشت ارشاد یک بار دیگر بر توانایی های کارگردانی صحنه می گذارد که این اواخر با ساخت کمدی های تاسف برانگیزی چون چارچنگولی و ازدواج در وقت اضافه به نوعی خود را زیر سوال برده بود. سعید سهیلی همچنان برای ساختن یک کمدی قابل قبول جای کار داشته و امیدوارکننده به نظر می رسد.

گشت ارشاد شروع خوبی دارد. فیلم خیلی زود سر اصل مطلب می رود و برای معرفی و شناساندن هرچه بیشتر سه شخصیت محوری فیلم هیچ فرصتی را از دست نمی دهد. حاجی (حمید فرخ نژاد)، عطا (پولاد کیمیایی) و اسد (ساعد سهیلی) آدم هایی رنج دیده و بریده از اجتماع هستند که برای گرفتن سهم و حق خود از زندگی، پوشش ماموران گشت ارشاد را پوشیده و راه اخذی از جوانان را پیش گرفته اند. روابط میان این سه شخصیت به خوبی به شکل گرفته و شوخی ها و دیالوگ های رد و بدل شده نیز کمک شایانی به درآمدن موقعیت های طنز فیلم می کند.

با این همه رفته رفته با تکرار موقعیت های کم و بیش مشابه، اثرگذاری اولیه از بین می رود و علامت سوال های متعددی در ذهن متبادر می شود. مثلاً این که چطور می شود ماشینی با تابلوی جعلی گشت ارشاد به راحتی در شهر تردد می کند و هیچ شک و شبهه ای را بر نمی انگیزد؟ هر چه قضیه تابلوی کائنات عطا بامزه از کار درآمده، رابطه حاجی و پرستار خانه مقابل (نیوشا ضیغمی) نجسب و بی هویت می نماید و سلسله حوادث بعدی که از پس این آشنایی ایجاد می شوند را تحت شعاع قرار می دهد. با ورود شخصیت فرات (جمشید هاشم پور) به ماجرا، به تدریج فیلم تغییر لحن می دهد و فضای شوخ و سنگ فیلم ناگهان رنگی جدی و خشک به خود می گیرد. اوج این اتفاق در

شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



فیلم های جشنواره از نگاه مردم

■ خوابم می آید

شوخی های فیلم خیلی خوب درآمده بود اما از لحاظ قصه پردازی، کاش حادثه ها متناسب تر با فضای فیلم بودند. ای کاش همان شوخی ناتوانی در ارتباط با زنان ادامه پیدا می کرد، ولی حادثه های فیلم از جذابیت فیلم کم کرد. ای کاش همان شوخی های پول دزدیدن از سوپر مارکت و ... ادامه پیدا می کرد و پای مافیا و ... وارد ماجرا نمی شد. عطاران به مانند شخصیتش زیاد توجهی به این مسائل ندارد و آدم سرخوشی است. به هر حال فیلم بدی نبود.

اکبر عبدی بار دیگر ثابت کرد که کیست... ای کاش انتخاب هایش هم مانند بازی اش قوی بود

علی جریان

■ بیداری

چه جوری میشه کسی از شبهای روشن، باج خور، صداها و البته هفت پرده به فیلم بیداری برسد
آیا از فهم سینمایی موتمن کم شده؟
چقدر دلم برات تنگ شده آقای موتمن وقتی پوپک رو ساختی گفتم به هر حال غم نانه دیگه اما درباره بیداری چی بگم این دیگه غم نان نیست
آیا باز هم فیلم خوب از موتمن (که فهم سینمایی بالایی دارد) میتوان دید؟
برگرد آقای موتمن که این راه به بیراهه می رود بذار هنوز محبوبترین باشی

منتظر فیلم بعدیت هستم تا یادم بره پوپک و بیداری امید

■ یک روز دیگر

دیشب فیلم رو دیدم ، اشکم از فقر فرهنگی مخاطبان در اومد ، کسایی که با کمترین فهم و دانش از سینما وارد سالن های میشن کسایی که فیلم رو دیدند و با بی مهری تمام آرای خودشون رو به داخل صندوق ها انداختند ، حرف من با اون دسته مخاطبینی هست که حاضر به قبول یک فیلم با استانداردهای بالاتر از سینمای خودمون نیستند ، این دسته افراد همون هایی هستن که اخراجی های ۲ رو در کمال تاسف پرفروشترین فیلم سینمای ما کردند ، «یک روز دیگر» فیلمی با استانداردهای بالاتر از سینمای ما است ، فیلمبرداری ، صداپردازی ، موسیقی بی نظیر متن ، فیلمنامه پند آموز و در عین حال جذاب ، بازی فوق العاده بازیگران خارجی فیلم که تا به حال در تاریخ سینما و تلویزیون ما سابقه نداشت ، کارگردانی روان فتحی و بسیاری پارامترهای دیگر که به نظر من این فیلم رو از بقیه فیلمهای امسال جشنواره متمایز خواهد کرد .

در آخر امیدوارم داوران جشنواره برخلاف به اصطلاح

تماشاگران صبر کافی داشته باشند و حق این فیلم را ادا کنند.

علیرضا

■ ملکه

امروز این فیلم رو دیدم...

شروع خوبی داشت و تا وسطای فیلم هم یه فیلم جنگی خیلی خوبی بود که بیشتر در کش مکش دیده بانی و این چیزها بود....

درکل فیلم خوبی بود و به نظرم آخرای فیلم دیگه قدرت اول فیلم رو نداشت وگرنه یکی از خوش ساخت ترین فیلم های با موضوع دفاع مقدس بود

سپهر

■ برف روی کاج ها

من فیلم «برف روی کاجها» را دیدم و کاملاً در حیرتم که چرا تا امروز بهترین فیلم از نگاه مردم شده است!! واقعا انتظارم به مراتب بالاتر از چیزی بود که دیدم. یک داستان بدون اوج و فرود، کاملاً کلیشه ای، بدون شخصیت پردازی و کسل کننده.

فکر می کنم مردم مسائل دیگری را در آراء خود دخیل می کنند که هیچ ربطی به خود فیلم ندارد.

غزل

■ به عاشقانه ساده

فیلم ضعیف و بسیار خسته کننده بود.

فیلمنامه بسیار ضعیف کار باعث شده بود که ارتباط برقرار کردن با بازیگران فیلم بسیار سخت شود.

فیلمنامه بسیار ضعیف کار باعث شده بود داستان فیلم و اوج و فرودهایش هیچ جذابیتی نداشته باشد.

اتفاقات فیلم کاملاً ناپخته شکل می گرفت نمونه بارزش مرگ فکر کنم اسم دختره خورشید بود و مسئله نانوایی و مواد مخدر.

کلا یه عاشقانه ساده فیلم مهمی نیست و بسیار ضعیف است و البته این که از سامان مقدم این همه ضعف بعیده والا

امید

■ پله آخر

من هم نظر میلاد را دارم. راستش اول که فیلم شروع شد و خودش نوع روایتش را مشخص کرد تقریباً مطمئن بودم که نمی تونه این نوع روایت را بدون لکنت پیش بیره و حتماً به ورطه هیجان زدگی و ... می افته. اما علی مصفا با حوصله تونست خیلی خوب روایتش رو پیش بیره.

علی جریان

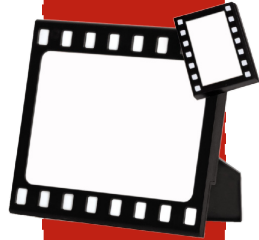


شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



گزیده حرف های نشست نقد و بررسی روزهای سوم و چهارم



■ خرسی - ۱۵ بهمن

نشست نقد و بررسی فیلم «خرس» با حضور خسرو معصومی (کارگردان)، جواد نوروز بیگی (تهیه کننده)، محمدرضا دلپاک (صداگذار) و خسرو نقیبی (منتقد) روز شنبه ۱۵ بهمن در سالن سعدی مرکز همایش‌های برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

جواد نوروز بیگی: این فیلم برگرفته از قصه واقعی است و یک مساله اجتماعی را مطرح می‌کند. ساخت این فیلم به شدت سخت بود و ما مجبور بودیم چیزی حدود ۴ ماه در دمای زیر ۵ درجه کار کنیم.

همیشه در ادبیات، شعر و سیاست بی گناهان به ناحق کشته می‌شوند و هیچ دلیلی هم ندارد. در این فیلم می‌توانستند افراد دیگری کشته شوند اما فقط دو نفر کشته شدند.

جزئیات در این فیلم بسیار زیاد است. من معتقدم بعد از ۱۲ سال کار این فیلمنامه بهترین فیلمنامه من است. من عاشق نقد نظری هستم نه گفتاری. دوستانی که این فیلم را دقیق دیده‌اند می‌توانند آن را نقد کنند. چیزی حدود ۷ ماه برای گرفتن پروانه ساخت این فیلم تلاش کردیم. برای گرفتن مجوز مجبور شدم نامه‌های زیادی به ارشاد ببرم تا بتوانم مجوز ساخت آن را بگیرم.

خسرو معصومی (در جواب یکی از خبرنگاران که داستان فیلم را به لحاظ قانونی و شرعی مورد نقد قرار داد): منبع من دکتر کاتوزیان است و با نامه‌ای که ایشان به من دادند، پروانه ساخت فیلم صادر شد.

خسرو نقیبی: این فیلم نگاه واپس‌گرایانه و ارتجاعی دارد که برای مرد دوم هیچ حقی قائل نمی‌شود. جالب است که آقای معصومی هم فقط از مرد اول دفاع می‌کند. مناسبات داستانی در این فیلم گم شده است. در واقع آقای معصومی تهران ۶۹ را به تهران ۹۰ برده است. با شوق و ذوق زیادی آمده بودم تا آخرین کار این کارگردان را ببینم اما این حجم ارتجاع من را به شدت متأسف کرد.

معصومی: من به شما توصیه می‌کنم فیلم «خرس» رو دوباره ببینید. این فیلم به لحاظ من که سینما را به لحاظ تخصصی خوانده‌ام، بهترین فیلم و و کارگردانی کارنامه کاری‌ام است.

جا دارد از پرویز پرستویی عزیز تشکر کنم که اینجا نیست. اگر حمایت‌های او برای این کار نبود نمی‌توانستیم این فیلم را بسازیم. هیچ کس این فیلمنامه را قبول نمی‌کرد. پرستویی به من گفت دوستانی دارد که می‌توانند در ساخت این فیلم به ما کمک کنند. من از اهالی رسانه توقع دارم اجازه بدهند سینمای مستقل که حرفی برای گفتن دارد، مورد توجه قرار بگیرد.

■ دوباره با هم - ۱۵ بهمن

نشست نقد و بررسی فیلم سینمایی «دوباره با هم» به کارگردانی روزبه حیدری با حضور جمشید حیدری (تهیه کننده)، مریم خدابنده لو، مانی کسرائیان، سحرقریشی، ماهان عبدی (بازیگران)، محمود گبرلو مجری کارشناس و جمع زیادی از اهالی رسانه در

سالن سعدی برگزار شد. این جلسه بدون حضور کارگردان و منتقد برگزار شد.

گزیده حرف ها:

جمشید حیدری: قبل از هر چیز باید از همه مخاطبانی که فیلم را در بدترین شرایط فنی و تصویری دیدند عذرخواهی کنم، زیرا قرار نبود فیلم ما امروز به نمایش درآید و ما با محدودیت بسیار زمانی مواجه بودیم و بعد از سه شبانه روز بی‌خوابی این فیلم آماده شد. تمامی تلاش ما بر ساخت یک فیلم آبرومند و شریف بود اما اتفاقاتی در این میان رخ داد تا فیلم نهایی آنچه ما انتظار داشتیم نشود.

سحر قریشی: حق دارم از نقش خودم در این فیلم دفاع کنم اما به آن اندازه که ما در قشقم زحمت و عذاب کشیدیم و با توجه به داستانی که از قبل خوانده بودیم اما امروز آنچه که از فیلم انتظار داشتیم اتفاق نیفتاد. روزی که من برای این کار قرارداد بستم و آنچه که دیدم، روزبه حیدری به عنوان کارگردان کار نبود، بلکه پدرش جمشید حیدری بود که فیلم را به سرانجام رساند.

مانی کسرائیان: نباید به شعور کسی توهین کرد، این که امروز ما آمده‌ایم و فیلم را دیده‌ایم و بعد گفته می‌شود هنگام اکران درست می‌شود، به هیچ وجه درست نیست اما متأسف هستم از این که کسانی فیلم را دیدند و انتظار بیشتری از من داشتند اما این فیلم نمی‌تواند جوابگو باشد. من نیز به شخصه راضی نیستم و هیچ دفاعی هم از خود به دلیل بازی در این فیلم نمی‌کنم. کیفیت فیلم تحت تاثیر فضایی بود که در پشت صحنه قرار گرفت و من از همه مخاطبان معذرت می‌خواهم و اگر جای آنها بودم تا پایان فیلم نمی‌ماندم!

■ بی‌خدا حافظی - ۱۵ بهمن

نشست نقد و بررسی فیلم «بی‌خدا حافظی» با حضور عوامل فیلم، احمد امینی (کارگردان)، محمد نشاط (تهیه کننده)، سعید شاهسواری (فیلمنامه‌نویس) و رضا صادقی، شقایق فراهانی و کوروش تهامنی (بازیگران) برگزار شد و محمود گبرلو مجری کارشناس جلسات به همراه رامتین شهبازی منتقد سینما به بررسی و تحلیل این فیلم پرداختند.

گزیده حرف ها:

احمد امینی: از «این زن حرف نمی‌زند» (۱۳۸۱) تا به امروز، درگیر تلویزیون و سریال سازی بودم. متأسفانه تلویزیون مثل مردابی می‌ماند که آدم در آن گیر می‌افتد، من نیز به این مشکل دچار شدم تا این که دو سال پیش به پیشنهاد محمد نشاط به سینما بازگشتم و حاصل آن حالا در مقابل شما قرار گرفته است. وی در ادامه از دلیل پذیرفت چنین پروژه‌ای گفت: کلید اصلی حضورم موضوع ساخت فیلمی درباره یک هنرمند زنده بود که در ابتدا موافق‌اش نبودم اما زمانی که شعر «خدا را چه دیدی» رضا صادقی را شنیدم نظرم نسبت به انجام کار تغییر کرد. شاید به نظر برسد این فیلم از کارنامه کاری من دور است. گرچه در جزئیات

شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰
نشریه اینترنتی
سی‌امین
جشنواره بین‌المللی
فیلم فجر





کند. هرچند که فیلم در روایت داستان خود با گره افکنی های متعدد موفق بوده است اما در میانه های فیلم، دو مسئله اصلی که داستان زندگی خصوصی و معمای حال حاضر هنرمند است به جای درهم تنیدن به دو خط موازی که در کنار هم حرکت می کنند، تبدیل می شود.

امینی: گرچه این نکات قابل تأمل هستند اما به نظر می رسد که بهتر است یک بار دیگر فیلم را ببینیم. چرا که جواب معماها در خلال دیالوگ ها، روایت داستانی و ترانه ها پاسخ داده شد. ما مجموعه اطلاعات را در این دسته بندی تقسیم کردیم.

(در ادامه این جلسه نخستین صحبتی که از طرف اهالی رسانه مطرح شد، نارضایتی از فضای نمایش زندگی و حرفه خبرنگاری بود، این دومین فیلمی که با پرداخت به زندگی اهالی رسانه نارضایتی آن ها را برانگیخت. علاوه بر این پرداختی که برای این سوژه انتخاب شده کلیشه ای است، استفاده از یک خبرنگار برای رسیدن به داستان زندگی یک هنرمند بیشتر برای فضای فیلم هایی مناسب است که از یک هنرمند ناآشنا سخن بگویند.)

امینی: زندگی واقعی آن چیزی است که ما می دانیم و می بینیم اما برای سینمایی اگر چالشی در داستان واقعی ایجاد نشود جذابیت داستانی وجود ندارد. وی برای پرداخت کلیشه ای خود عذر خواست. شقایق فراهانی: باید متذکر شوم که این فیلم زندگی رضا صادقی نیست. بلکه ما به بهانه زندگی رضا صادقی به مشکلات و معضلاتی که مردم در زندگی شان با آن درگیر می شوند می پردازیم. به خصوص نباید این فیلم را با فیلمسازی در خارج از کشور مقایسه کرد.

■ ضد گلوله - ۱۵ بهمن

این نشست پس از استقبال قابل توجه اهالی رسانه، با حضور عوامل فیلم، مصطفی کیایی (کارگردان)، رضا رخشان (تهیه کننده)، مهدی هاشمی و ژاله صامتی (بازیگران) برگزار شد و محمود گبرلو مجری کارشناس جلسات به همراه علی علایی منتقد سینما و رئیس انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی به بررسی و تحلیل این فیلم پرداختند.

گزیده حرف ها:

مهدی هاشمی: وقتی فیلمنامه «ضدگلوله» را خواندم به این نتیجه رسیدم که در یک فیلم خوب بازی خواهیم کرد. «ضدگلوله» فیلمی بود که بازیگر را در بهترین میزانش قرار می داد و حساسیت کارگردان آن روی نکات ریزی که اکثر فیلمسازان رعایت نمی کنند برای من جالب بود ضمن آن که این فیلم، با روحیه خوب، خوش خلقی و انبساط خاطر ساخته شد.

مسئولان انجمن سینمای دفاع مقدس متأسفانه وقتی با فیلمنامه اولیه این فیلم روبه رو شدند، به من فیلمساز بدترین توهین ها را روا داشتند که شاید اگر فیلم کافی شاپی می ساختم با چنین مسائلی

همان فراز و فرودهای معمول کاری ام وجود دارد اما کلیت ماجرا با توجه به فیلمنامه پرداخت به داستانی در ظاهر سهل و ممتنع است که در واقع مشکلات بسیاری با خود داشت. رضا صادقی هنرپیشه نیست. خودش نیز علاقه ای به این کار نداشت و برای انجام این پروژه دچار تردید بود. با این وجود حضور پیام دهکردی به ما کمک کرد که توانایی های بالقوه او را شناسایی کنیم. در تمام طول ساخت پیام دهکردی سعی کرد با همراهی اش ترس صادقی را از امکان خدشه ای که به وجه موسیقیایی اش وارد شود، را از او دور کند. با وجودی که این اولین کاری بود که بازیگردانی همراه گروه من بود اما نقش بی نظیر دهکردی، برای حضورش مسلم بود.

محمد نشاط: زمانی که برای فیلم «قرنطینه»، رضا صادقی تیتراژ پایانی را خواند به این فکر افتادم که از زندگی او فیلمی بسازم. پروانه تولید فیلم سال ۸۶ دریافت شد اما چون امینی اولین بار پیشنهاد را نپذیرفت، این مسئله تا سال ۸۸ با وجود صحبت با سایر کارگردانان بی نتیجه ماند.

رضا صادقی: زاهد یکتاپرست از حال ما آگاه نیست/ در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

این بار در سالن میلاد به جای کنسرت بر پرده نقره ای نشستیم. مهمان این پرده شدم تا نکاتی را اثبات کنم. این فیلم قصه زندگی رضا صادقی نیست. در جایی که موسیقی حرام است و با یک نگاه عادلانه به مکروه تبدیل می شود، جایی که مسائل عاطفی و عاشقانه را اطوارهای کلیشه ای و یا پشت پرده ها و درها بیان می شود، خواستم که فیلمی به دور از این مسائل ساخته شود. مهم این است که بدانیم اطرافیان یک هنرمند از هر کس دیگر بیشتر می توانند او را مسموم کنند، زهری که از مجوز نگرفتن هم بدتر است.

بازیگر نیستیم، برایم جالب بود به زندگی یک هنرمند با حواشی اش بپردازند به همین خاطر پذیرفتم که در فیلم حضور داشته باشم اما برای بیان حرف هایم اجازه خواستم تا ترانه هایم در فیلم نقش داشته باشند. شاید کسی دچار این سوال شود که با این فیلم از من یک قدیس ساختند. اما به نظر من سرنوشت یک قدیس این گونه نیست. یک قدیس ضعف ندارد.

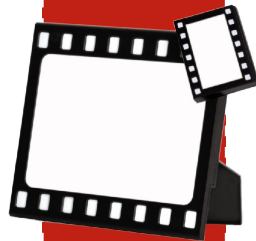
رامتین شهبازی: به کارهای احمد امینی علاقه مندم، به خصوص سریال های اش که از نظر من بهترین های سال های اخیر تلویزیون ایران است. تبدیل یک متن مکتوب به یک متن تصویری کار یک کارگردان است که متأسفانه بسیاری از فیلمسازان ما به این مسئله دست نمی یابند، این مطلب در جشنواره امسال بسیار هویداست به گونه ای که ما خیال می کنیم مشکل از ماست که با این فیلم ها ارتباطی پیدا نمی کنیم.

این فیلم یک سر و گردن از سینمای داستانی و بدنه بالاتر است و به راحتی می تواند مخاطب جذب کند. هرچند که این در این روزگار هر چیز غیرمترقبه ای ممکن است. وی ادامه داد: این فیلم در پرداخت شخصیت های مستند پرتره ای با روایت یک داستان توانسته است ضمن رعایت قواعد لازم سینما به یک درام قابل قبول دست پیدا

شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سینا امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر





شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



روبه‌رو نمی‌شدم.

شاید به خاطر همین سختی‌ها تا مدت‌ها سراغ تصویر چنین موضوعاتی نیایم. البته این مسائل از ابتدای تولید این پروژه مثل بغض در گلوی من بود اما ترجیح دادم تا فیلم دیده نشود، سکوت کنم و درباره آن مسائل صحبتی نکنم.

رخشان: ساخته شدن این فیلم از هم‌کاری با سعید سهیلی در یک فیلم سینمایی و ایده‌ای که از آنجا در ذهنم شکل گرفت، شروع شد. ایده این فیلم ربطی به فیلم «لیلی با من است» ندارد.

مصطفی کیایی: قرار گرفتن افراد در موقعیت‌های اشتباه، فضا را برای ایجاد موقعیت کمدی فراهم می‌کند. تلاش کردم فضا و آدم‌ها باورپذیر شود. همه آدم‌های «ضدگلوله» را اطراف خود دیده‌ایم.

علی‌علایی: حال کارگردانی وارد سینمای ایران می‌شود که می‌تواند وارد فهرست شود و این برای منتقدان سینمایی مهم است که در این فهرست یک جوان تازه نفس پیدا شود و فیلم قبلی مصطفی کیایی هم این ویژگی را داشت.

ریتیم در روایت، ریتیم در سکانس‌ها و ریتیم درون پلانی در این فیلم به خوبی درآمده است.

نگران بودم که لحن شوخی فیلم تمام نشود، از این که فیلمساز توانسته این لحن را تا پایان حفظ کند، اظهار خوشحالی کرد.

مهدی هاشمی: به عنوان بازیگری ۶۵ ساله خیلی از یک کارگردان ۳۵ ساله آموختم.

کیایی: ژانر کار من اجتماعی است و قرار هم نیست که «ضدگلوله» یک، دو و سه را بسازم.

پذیرایی ساده - ۱۶ بهمن

نشست «پذیرایی ساده» با حضور مانی حقیقی (کارگردان و بازیگر)، ترانه علیدوستی (بازیگر)، امیررضا کوهستانی (فیلمنامه‌نویس)، هومن بهمنش (فیلمبردار)، محمد باغبانی (منتقد)، و محمود گبرلو مجری کارشناس برنامه در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف‌ها:

مانی حقیقی: سال‌ها قبل کار کوهستانی را بدون این که او را بشناسم دنبال می‌کردم. در ادامه برحسب اتفاق با او در رادیو آشنا و متوجه پدیده بودن او در دیالوگ نویسی شدم.

پس از این که کار نگارش فیلمنامه شروع شد، به اتفاق امیررضا کوهستانی چیزی حدود ۶ ماه روی این طرح کار کردیم.

ترانه علیدوستی: ما یک گروه بودیم که چندین روز به طور کارگاهی تمرین انجام دادیم. این کار کارگاهی را از این بابت انجام دادیم که به ایده‌ای برای نویسنده کار بدل شود که بعد از یک سال، ایده فیلم کامل شد.

بازی در این کار تجربه‌ای شیرین و لذت بخش بود.

هومن بهمنش: امروز استرس عجیبی هنگام نمایش فیلم داشتیم. من فیلم «پذیرایی ساده» را بسیار دوست داشتم و در نهایت تمامی گروه به این نتیجه رسیدیم که این فیلم تجربه خوبی خواهد شد اما متأسفانه امروزه مقوله کارگردانی در سینمای ما تغییر پیدا کرده و خیلی چیزها به فیلمبردار منتقل شده است.

چیزهای بسیاری را از آقای حقیقی در این فیلم آموختم که برایم به تجربه‌ای شیرین بدل شد.

حقیقی: اصولاً نکاتی در مورد کارم، چه نوشتن و چه کارگردانی هست که خیلی تمایل ندارم در مورد آنها صحبت کنم زیرا بسیار درونی و شخصی است و اگر بخواهم در مورد آنها توضیح دهم، شاید موجب سوتفاهم شود. این را هم باید بگویم که من معتقدم یک فیلمساز نباید در فیلم حرف بزند، بلکه باید برای مخاطب پرسش ایجاد کند. من همیشه سعی کرده‌ام در فیلم‌هایم برای مخاطب پرسش ایجاد کنم و اصلابه این فکر نیستم که حرفی بزنم.

تهیه کننده واقعی این فیلم جلال شمس‌میان است که به دلیل برخی

مشکلات موجود پیرامون خانه سینما، مجبور شدیم نامش را از تیتراژ فیلم حذف کنیم که امیدوارم این مشکل، به زودی حل شود.

رویدن در باد - ۱۶ بهمن

نشست فیلم سینمایی «رویدن در باد» با حضور رهبر قنبری (کارگردان)، حسن امجدی مقدم (تهیه کننده)، حسین عابدینی، ذبیح افشار (بازیگر)، مریم پوستی (طراح گریم)، محمدتقی فهیم (منتقد)، فریدون شیردل (فیلمبردار) و محمود گبرلو مجری کارشناس برنامه در سالن سعدی برج میلاد برگزار شد.

گزیده حرف‌ها:

رهبر قنبری: فیلمنامه این کار مربوط به سال ۸۰ است و امروز خوشحالم از این که بعد از گذشت ده سال با زحمات فراوان آن را ساختم. موضوع این فیلم به نوجوانان عشایری برمی‌گردد و با عرض تاسف باید بگویم طی ۵ سال گذشته چیزی حدود ۱۰ هزار نوجوان میان سنین ۷ تا ۱۵ سال ترک تحصیل کرده و به دام داری پرداخته‌اند.

محمدتقی فهیم: در جشنواره‌ای که بیشتر آثار آن با نشان دادن خشونت ایجاد جذابیت برای مخاطب می‌کند، دیدن این فیلم لطفی دیگر داشت. «رویدن در باد» فیلمی است برای کودکان که می‌خواهد مشکلات نوجوانان یک منطقه را آسیب شناسی کند اما همواره با این مشکل روبروست که چندین قصه را با هم بیان کرده است عشایر، مسائل چوپانان موضوعاتی هستند که می‌توانست هر کدام جداگانه مطرح شوند.

«رویدن در باد» فیلمی است برای کودکان که با نام «رویدن در باد» که همان رویش جوانان است پرداخته اما انتظار من از کارگردان فیلم این بود که عمیق‌تر به موضوعات قصه‌اش بپردازد نه این که چندین موضوع مختلف را در کنار هم بیان کند.

حسن امجدی مقدم: مصیبتی که در مورد ساخت فیلم‌های فرهنگی همواره وجود داشته باعث شده که بسیاری از این گونه فیلم‌ها ساخته نشود زیرا فیلم‌های فرهنگی به هیچ عنوان بازگشت سرمایه ندارد اما در نهایت ما با بنیاد فارابی وارد مذاکره شدیم و با کمک و استقبال آنها توانستیم این فیلم را بسازیم.

مریم پوستی: (در پاسخ به این که چرا رنگ پوست دختران فیلم بسیار تیره است): منظور ما از این نوع طراحی گریم آفتاب سوختگی پوست آنان بود زیرا این دختران دائم در زیر نور آفتاب شدید بودند و ما نیز می‌خواستیم سوختگی پوست آنها را نشان دهیم.

شور شیرین - ۱۶ بهمن

نشست پرسش و پاسخ فیلم سینمایی «شور شیرین» با حضور جواد اردکانی (کارگردان)، رضا رویگری و حمید عمارلو (بازیگران)، ابراهیم اصغری (تهیه کننده)، ستار اورکی (آهنگساز) و حسین سلطان محمدی (منتقد) در پنجمین روز جشنواره و در سالن سعدی برگزار شد.

گزیده حرف‌ها:

جواد اردکانی: یکی از فرصت‌های خوب جشنواره فیلم فجر همین جلسات پرسش و پاسخ است. من نهایت استفاده را از نقطه نظر داوران دوستان در فیلم‌های بعدی می‌کنم.

رضا رویگری: امروز خستگی چند ماه کار کردن در شرایط سخت با دیدن «شور شیرین» و ما حاصل کار، در رفت. من هیچ وقت نقش یک ارتشی را بازی نکرده بودم اما خوشحالم که چنین تجربه‌ای را به کارنامه کاری‌ام اضافه کردم.

جواد اردکانی: قرار شد از زندگی شهید کاوه فیلم بسازیم. خوشبختانه به خاطر شناختی که از لحظه به لحظه زندگی او داشتیم، فیلمنامه به صورت کاملاً مستند پیش رفت. ساخت این فیلم تجربه خوبی برای



من بود. کاوه شدن کاوه از سال ۵۹،۶۰ در کردستان اتفاق افتاد. عملیاتی که ما در فیلم نشان دادیم یکی از بزرگترین عملیات‌هایی بود که کاوه در آن حضور داشت.

همه آنچه مربوط به کاوه بود واقعیت داشت. اما داستان‌های فرعی مربوط به آدم‌های اطراف شهید کاوه نبود. قصه هر کدام از این آدم‌ها هم واقعیت داشت، اما این واقعیت‌های تجربه‌های شخصی گروه بود. ابراهیم اصغری: پس از ساخت فیلم «به کبودی یاس» در راستای ساختن فیلم از زندگی شهید، سراغ شخصیت شهید کاوه رفتیم. او ویژه‌ترین فرمانده دفاع مقدس بود.

اجرای فیلمنامه دفاع مقدس کار بسیار سختی است. در سی سال گذشته امکانات شهری ما رشدی پیدا کرده است. ما خیلی از شهرها را به دنبال لوکیشنی گشتیم که به فضای روستایی نزدیک باشد. بالاخره جایی که پیدا کردیم ۵۰ درصد خواسته ما را برآورده می‌کرد و باقی خواسته‌هایمان را خودمان تدارک دیدیم.

وی با انتقاد از امکانات جنگی برای ساخت فیلم‌های دفاع مقدس گفت: خیلی از امکانات دفاع مقدس موجود نیست و این مساله کار ما را سخت می‌کرد. برای تهیه چند جیب ارتش ما مجبور شدیم چند ماشین را از افغانستان به کردستان برگردانیم.

رضا رویگری: سال‌هاست که فیلم‌های دفاع مقدس را از یاد برده‌ایم. آنقدر در این سال‌ها فیلم کم‌دی ساخته شده است که چنین فیلم‌هایی فراموش شوند. این فیلم آنقدر با ارزش است که من با افتخار آن را در کارنامه کاری‌ام قرار می‌دهم.

حمید عمارلو: شخصیت شهید کاوه آنقدر بزرگ بود که احساس می‌کردم روح او در جسم حقیر من آمده و اوست که بازی کردن را برای من راحت می‌کند.

جواد اردکانی: ساخت فیلم‌های دفاع مقدس به اندازه‌ای دشوار است که فکر می‌کنم اگر این شهیدان من را صدا نکنند، دیگر فیلم جنگی نمی‌سازم. کمبود امکانات یکی از بزرگترین معضلات سینمای دفاع مقدس است.

■ زندگی خصوصی - ۱۶ بهمن

نشست نقد و بررسی «زندگی خصوصی» با حضور محمد حسین فرحبخش (کارگردان)، عبدالله علیخانی (تهیه کننده)، اصغر نعیمی (فیلمنامه نویس)، آریا عظیمی نژاد (سازنده موسیقی) و نیما حسینی نسب (منتقد) با اجرای محمود گبرلو برگزار شد.

گزیده حرف‌ها:

محمد حسین فرحبخش: این فیلم با فضای دراماتیک است و محتوای سیاسی و اجتماعی ندارد. فیلمنامه با ۱۱ بار بازنویسی مسیر خود را انتخاب کرد و انتخاب بازیگران با توجه به دیالوگ‌ها و تصویری که مشخص شده بود فیلم را در مسیر خود کمک کرد.

از نظر من که سال‌های متمادی به عنوان تهیه کننده شناخته شدم، رکن اصلی یک فیلم که مولف اثر نیز محسوب می‌شود تهیه کننده است، و سایر عوامل از کارگردان تا بازیگران همه مجربانی هستند که

فیلم را به نتیجه می‌رسانند.

نیما حسینی نسب: مهمترین نکته این فیلم سوال در مورد شیوه کار موسسه پویا فیلم است که چرا با استفاده از فرمول‌های پیشین خود قصد دارد تجربه تازه‌ای خلق کند. بی‌شک این فیلم در نگاه اول ما را به یاد فیلم‌هایی همچون «آواز قو»، «کما» و یا حتی نمونه کپی شده مشخص تری از «شوکران» و «تکیه بر باد» است که با حفظ بنای ژانر و مضامین قصه خود سعی می‌کند اثری تازه را نشان دهد. آن چه از این فیلم به نظر می‌رسد، عدم موفقیت موسسه پویا فیلم است که به خاطر شکست در ساخته‌های پیشین خود در ژانر کم‌دی اینک به سمت فرمول دیرین و جواب پس داده اش آمده و سعی کرده تا آن را با بیان مسائل سیاسی به روز کند.

حسینی نسب: قصه درام و بیان یک مثلث عاشقانه که در موقعیت‌های خود مسائل سیاسی را بیان می‌کند بی‌اینکه موضع‌گیری مشخصی داشته باشد و به تمام جناح‌ها اشاره‌ای می‌کند مسلماً مخاطبی که در ابتدا همراه او شده بوده را سردرگم می‌کند. استفاده از این فرم و ساختار و فضاسازی بعد از تجربیات درامی چون فیلم اصغر فرهادی به نظر کمی دمده و متعلق به دو دهه پیش می‌رسد. نعیمی در پاسخ به حرف‌های منتقد جلسه اعلام کرد: بعضی اوقات استفاده از فرمول‌های امتحان پس داده برای سینما لازم است. اوقاتی فیلم‌ها با استفاده از همین شیوه می‌توانند با ساخت صحیح خود مخاطب‌شان را جذب کنند. علاوه بر این برخی از داستان‌ها و سوژه‌های تکراری ارزش دوباره گفتن را دارند، چرا که ارزش این‌ها در طول زمان از بین نمی‌رود. زمانی که این فیلمنامه را می‌نوشتیم از نمونه‌های بارزی که شما اشاره کردید آگاه بودم، سعی ما بر این بود که شیوه روایت را تغییر دهیم و با استفاده از بخش‌های سیاسی‌ای که به آن می‌افزاییم بر جذابیت داستان اضافه کنیم.

فرحبخش: برای اطلاع بگویم پویا فیلم از فیلم‌های طنز خود شکست نخورد. اگر کارنامه این فیلم‌ها را مرور کنید می‌بینید که نخستین فیلم‌های طنز توسط این موسسه ساخته شده است و مورد توجه مخاطبان نیز قرار گرفت. این روند تا زمانی که بدلیجات فیلم‌ها وارد بازار شد، اصل را نیز تحت تأثیر قرار داد. در مورد استفاده از یک داستان کلیشه‌ای هم باید بگویم گرچه این نظر کاملاً شخصی است اما کاربرد کلیشه‌ای مهمی است که حتی یک داستان بارها تکرار شده را جذاب می‌کند.

فرحبخش: افزودن بخش‌های سیاسی به این درام نیز در اعتراض به عملکرد حال حاضر است و از اعتراضی می‌آید که خودم نیز دچارش هستم. ما خواستیم این شیوه غلط را نشان دهیم. افراط‌ها و تفریط‌ها را به تصویر بکشیم.

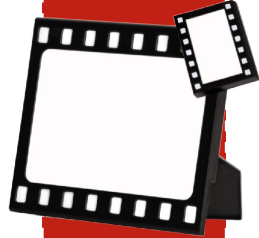
عبدالله علیخانی: ما در موسسه پویا فیلم هرچیز ژانری را که ساختیم با انتقاد مواجه شدیم. این تغییر ژانر دلیلی برای شکست ما نیست. ما ژانرهای مختلف را امتحان کردیم تا مخاطبان خود را راضی نگه داریم. باید اعلام کنم تا به حال هیچ فیلمی نداشتیم که شکست اقتصادی خورده باشد.





گزارش ارزیابی داوری در تاریخ
برگزاری جشنواره فیلم فجر - بخش دوم

نگاهی به تفاوت نگاه داوران و منتقدان از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۱



■ برگزیدگان چهاردهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۴)
بهترین فیلم: پدر (مجید مجیدی) / منتقدان: گبه(مخملباف)
بهترین کارگردانی: کیومرث پوراحمد (خواهران غریب) /
منتقدان: مسعود کیمیایی (ضیافت)
بهترین فیلمنامه: کمال تبریزی و رضا مقصدی (لیلی با من
است) / منتقدان: کمال تبریزی و رضا مقصدی(لیلی با من
است)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: محمد کاسبی (پدر) / منتقدان:
پرویز پرستویی (لیلی با من است)
بهترین بازیگر نقش اول زن: فاطمه گوردزی (غزال) / منتقدان:
عاطفه رضوی (نجات یافتگان)
بهترین فیلمبرداری: محمود کلاری (گبه) / منتقدان: محمود
کلاری(گبه)
بهترین تدوین: شهرزاد پویا(سفر به چزابه) / منتقدان: بهرام
بیضایی(برج مینو)
بهترین موسیقی متن: حسین علیزاده (گبه) / منتقدان: حسین
علیزاده(گبه)
بهترین بازیگر نقش دوم مرد: حسین یاری (آخرین مرحله) /
منتقدان: سعید پورصمیمی(چهره)
بهترین بازیگر نقش دوم زن: پروش نظریه (پدر) / منتقدان:
مریم محمد امینی(نون و گلدون)

■ برگزیدگان شانزدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۶)
بهترین فیلم: آژانس شیشه‌ای (ابراهیم حاتمی کیا) / منتقدان:
درخت گلابی
بهترین کارگردانی: ابراهیم حاتمی کیا (آژانس شیشه‌ای) /
منتقدان: داریوش مهرجویی(درخت گلابی)
بهترین فیلمنامه: ابراهیم حاتمی کیا (آژانس شیشه‌ای) /
منتقدان: داریوش مهرجویی و گلی ترقی(درخت گلابی)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: پرویز پرستویی (آژانس شیشه‌ای)
/ منتقدان: پرویز پرستویی(آژانس شیشه‌ای)
بهترین بازیگر نقش اول زن: انیس شکوری (درخت جان) /
منتقدان: مینو فرشچی(بانوی اردیبهشت)
بهترین فیلمبرداری: محمد داودی (تولد یک پروانه) / منتقدان:
کلاری(درخت گلابی)
بهترین تدوین: هایده صفی یاری (آژانس شیشه‌ای) / منتقدان:
حسن حسندوست(جهان پهلوان تختی)
بهترین موسیقی متن: مجید انتظامی (آژانس شیشه‌ای) /
منتقدان: بابک بیات(مرسدس و جهان پهلوان تختی)

■ برگزیدگان پانزدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۵)
برگزیدگان پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر
(بهمن ۱۳۷۵)
بهترین فیلم: بچه‌های آسمان (مجید مجیدی) / منتقدان: بچه
های آسمان
بهترین کارگردانی: مجید مجیدی (بچه‌های آسمان) / منتقدان:
داریوش مهرجویی(لیلا)
بهترین فیلمنامه: مجید مجیدی (بچه‌های آسمان) / منتقدان:
بچه‌های آسمان(مجید مجیدی)

شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین‌المللی
فیلم فجر



بهترین بازیگر نقش دوم مرد: رضا کیانیان (آژانس شیشه‌ای) / منتقدان: رضا کیانیان (آژانس شیشه‌ای)
بهترین بازیگر نقش دوم زن: بیبا بادران (آژانس شیشه‌ای) / منتقدان: گلاب آدینه (بانوی اردیبهشت)

■ برگزیدگان هفدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۷)

بهترین فیلم: هیوا (رسول ملاقلی پور) / منتقدان: دوزن
بهترین کارگردانی: رسول ملاقلی پور (هیوا) / منتقدان: ابراهیم حاتمی کیا (روبان قرمز)
بهترین فیلمنامه: تهمینه میلانی (دو زن) / منتقدان: تهمینه میلانی (دو زن)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: محمدرضا فروتن (قرمز) / منتقدان: محمدرضا فروتن (قرمز)
بهترین بازیگر نقش اول زن: هدیه تهرانی (قرمز) / منتقدان: نیکی کریمی (دو زن)
بهترین فیلمبرداری: بهرام بدخشانی (هیوا) / منتقدان: حسن پویار (روبان قرمز)
بهترین تدوین: هدیه صفی یاری (روبان قرمز) / منتقدان: هدیه صفی یاری (روبان قرمز)
بهترین موسیقی متن: حسین علیزاده (زشت و زیبا) / منتقدان: محمدرضا علیقلی (روبان قرمز)
بهترین بازیگر نقش دوم مرد: حسین محجوب (رنگ خدا) / منتقدان: حسین محجوب (رنگ خدا)
بهترین بازیگر نقش دوم زن: احترام السادات حبیبیان (مصائب شیرین) / منتقدان: احترام السادات حبیبیان (مصائب شیرین)

■ برگزیدگان هجدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۸)

بهترین فیلم: بوی کافور عطر یاس (بهمن فرمان آرا) / منتقدان: بوی کافور عطر یاس، عروس آتش
بهترین کارگردانی: بهمین فرمان آرا (بوی کافور عطر یاس) / منتقدان: بهمین فرمان آرا (بوی کافور عطر یاس)، عباس کیارستمی (باد ما را خواهد برد)
بهترین فیلمنامه: حمید فرخ نژاد، خسرو سینایی (عروس آتش) / منتقدان: حمید فرخ نژاد و خسرو سینایی (عروس آتش)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: فرامرز قریبیان (مرد بارانی) / منتقدان: فرامرز قریبیان (مرد بارانی)
بهترین بازیگر نقش اول زن: میترا حجار (متولد ماه مهر) / منتقدان: میترا حجار (متولد ماه مهر)
بهترین فیلمبرداری: محمود کلاری (بوی کافور عطر یاس) / منتقدان: محمود کلاری (بوی کافور عطر یاس)
بهترین تدوین: مرحوم روح الله امامی (بلوغ) / منتقدان: روح الله امامی (بلوغ)
بهترین موسیقی متن: احمد پژمان (بوی کافور عطر یاس) / منتقدان: احمد پژمان (بوی کافور عطر یاس)
بهترین بازیگر نقش دوم مرد: حمید فرخ نژاد (عروس آتش) / منتقدان: حمید فرخ نژاد (عروس آتش)
بهترین بازیگر نقش دوم زن: رویا نونهالی (بوی کافور عطر یاس) / منتقدان: سلیمه رنگرن (عروس آتش)

■ برگزیدگان نوزدهمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۷۹)

بهترین فیلم: باران (مجید مجیدی) / منتقدان: سگ کشی
بهترین کارگردانی: مجید مجیدی (باران) / منتقدان: بهرام بیضایی (سگ کشی)

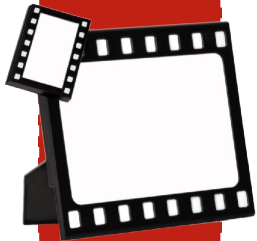
بهترین فیلمنامه: بهرام بیضایی (سگ کشی) / منتقدان: بهرام بیضایی (سگ کشی)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: حسین عابدینی (باران) / منتقدان: علی مصفا (پارتی) و حسین پرستار (زیر نور ماه)
بهترین بازیگر نقش اول زن: ثریا قاسمی (مارال) / منتقدان: مرزده شمسایی (سگ کشی)
بهترین فیلمبرداری: اصغر رفیعی جم (سگ کشی) / منتقدان: اصغر رفیعی جم (سگ کشی)
بهترین تدوین: محمدرضا مویینی (پارتی) / منتقدان: حسن حسندوست (باران)
بهترین موسیقی متن: احمد پژمان (باران) / منتقدان: پیمان یزدانیان (از کنار هم می گذریم)
بهترین بازیگر نقش دوم مرد: داریوش ارجمند (سگ کشی) / منتقدان: مهران رجبی (از کنار هم می گذریم)
بهترین بازیگر نقش دوم زن: ماهایا پطروسیان (هفت پرده) / منتقدان: نازنین فراهانی (از کنار هم می گذریم)

■ برگزیدگان بیستمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۰)

بهترین فیلم: خانه‌ای روی آب (بهمن فرمان آرا) / منتقدان: من ترانه...
بهترین کارگردانی: رسول صدرعاملی (من ترانه ۱۵ سال دارم) / منتقدان: ابراهیم حاتمی کیا (ارتفاع پست)
بهترین فیلمنامه: من ترانه ۱۵ سال دارم (کامبوزیا پرتوی، رسول صدرعاملی) / منتقدان: کامبوزیا پرتوی و رسول صدرعاملی (من ترانه ۱۵ سال دارم)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: رضا کیانیان (خانه‌ای روی آب) / منتقدان: حمید فرخ نژاد (ارتفاع پست)
بهترین بازیگر نقش اول زن: ترانه علیدوستی (من ترانه پانزده سال دارم) / منتقدان: ترانه علیدوستی (من ترانه)
بهترین فیلمبرداری: محمد آلاپوش (ایستگاه متروک) / منتقدان: محمود کلاری (خانه ای روی آب)
بهترین تدوین: بهرام دهقانی (قارچ سمی) / منتقدان: هدیه صفی یاری (ارتفاع پست)
بهترین موسیقی متن: ناصر چشم آذر (قارچ سمی) / منتقدان: ناصر چشم آذر (قارچ سمی)
بهترین بازیگر نقش دوم مرد: عزت‌الله انتظامی (خانه‌ای روی آب) / منتقدان: فرهاد قائمیان (قارچ سمی)
بهترین بازیگر نقش دوم زن: بهناز جعفری (خانه‌ای روی آب) / منتقدان: نصیرپور (من ترانه...)

■ برگزیدگان بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۱)

بهترین فیلم: دیوانه از قفس پرید (احمد رضا معتمدی) / منتقدان: نفس عمیق
موسیقی: مجید انتظامی (دیوانه از قفس پرید) / منتقدان: پیمان یزدانیان (فرش باد، شب‌های روشن و گاهی به آسمان نگاه کن)
فیلمبرداری: حمید خسوعی ابیانه (اینجا چراغی روشن است) / منتقدان: حمید خسوعی ابیانه (اینجا چراغی...)
بهترین کارگردانی: رضا میرکریمی (اینجا چراغی روشن است) / منتقدان: پرویز شهبازی (نفس عمیق)
بهترین فیلمنامه: پرویز شهبازی (نفس عمیق) / منتقدان: پرویز شهبازی (نفس عمیق)
بهترین بازیگر نقش اول مرد: حبیب رضایی (اینجا چراغی روشن است) / منتقدان: جمشید هاشم پور (واکنش پنجم)
بهترین بازیگر نقش اول زن: نیکی کریمی (دیوانه از قفس پرید، واکنش پنجم) / منتقدان: هانیه توسلی (شب‌های روشن)



شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر



مشنواره آن لاین

بهدادی مهر، فرهاد خالدار، آرش رمضانیان، علی زادمهر، آیدا عزتی، امید عشیری، سمیه قاضی زاده، مهدیس مستعد، سیده مریم مطلب پور، مریم نادى، الهام نداف

مدیر هنری: استودیو سی نت

عکس: حمید شاهوند، مهدی رمضان زاده، آرش عاشوری نیا
با تشکر از: فرانک آرتا، محسن آزاددل، سیدرضا صائمی، زرنوش محمدی

روی جلد: شیرین یزدان بخش و رابعه مدنی در نشست خبری
فیلم بوسیدن روی ماه

نشریه اینترنتی سی امین جشنواره فیلم فجر

شماره دوم - ۱۷ بهمن ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: روابط عمومی سی امین جشنواره فیلم فجر
مدیرمسئول: سیداحمد دانش
سردبیر: احمد شاهوند

با همکاری: مرضیه ابراهیمی، زهرا اسلامی، احمد اکبری، نیما



مهران مدیری، بهرام رادان و مهناز افشار - پل چوبی (مهدی کرم پور)

برنامه روز پنجم و ششم مرکز همایش های برج میلاد

سه شنبه ۱۸ بهمن

۱۰:۰۰ پل چوبی (مهدی کرم پور)
۱۳:۰۰ دزدان خیابان جردن (وحید اسلامی)
۱۵:۳۰ من همسرش هستم (مصطفی شایسته)
۱۸:۱۵ ملکه (محمدعلی باشه آهنگر)
۲۰:۴۵ قلاده های طلا (ابوالقاسم طالبی)
۲۳:۰۰ بی تابى بیتا (مهرداد فرید)

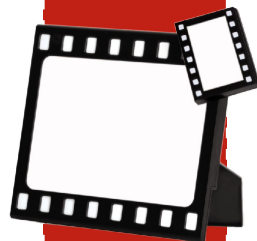
دوشنبه ۱۷ بهمن

۱۰:۰۰ یه عاشقانه ساده (سامان مقدم)
۱۳:۰۰ صداست که می ماند (سعید چاری)
۱۵:۳۰ یکی می خواد باهات حرف بزنه (منوچهر هادی)
۱۸:۱۵ آمین خواهیم گفت (سامان سالور)
۲۰:۴۵ چک (کاظم راست گفتار)
۲۳:۰۰ پنهان (مهدی رحمانی)

جدول ارزشگذاری نویسندگان بر فیلم های ایرانی جشنواره - تا پایان روز دوم

فرانک آرتا	محسن آزاددل	مجتبی اردشیری	احمد اکبری	نیما بهدادی مهر	فرهاد خالدار	احمد شاهوند	سیدرضا صائمی	زرنوش محمدی	سیده مریم مطلب پور	امیررضا نوری پرتو	
	**	*۱,۲	۱,۲		**	**	**	*۱,۲		**	پذیرایی ساده
	*۱,۲	O	۱,۲	۱,۲	*		*		**		بوسیدن روی ماه
*	*۱,۲	*۱,۲	۱,۲	*	*۱,۲			*۱,۲		۱,۲	ضد گلوله
	*	۱,۲	O	۱,۲	*			*۱,۲	**	O	بی خداحافظی
	*۱,۲	*								*	خرس
	O	*۱,۲	O	O	۱,۲		O		*		زندگی خصوصی
		O				O	O				اکباتان
O	۱,۲	*			۱,۲						شور شیرین
O	O	O			O						رویدن در باد

**** = عالی *** = خیلی خوب ** = خوب * = متوسط O = ضعیف O = ضعیف



شماره دوم
۱۷ بهمن ۱۳۹۰

نشریه اینترنتی
سی امین
جشنواره بین المللی
فیلم فجر

